

ساختار و شیوه‌های تدوین معجم صحابه

محمد رضا هدایت پناه

نخست تعریف صحابه؛ چرا که هرگونه تعریفی که ارائه شود افرادی داخل و یا خارج خواهند شد و نتیجه آن احکام بسیار مهمی است که بر آن مترتب خواهد بود که عدالت صحابه و قبول روایت آنان، بدون نیاز به جرح و تعدیل، اصلی‌ترین تبعات این بحث است.

دوم راه‌های شناخت صحابه، ممکن است افرادی به انگیزه‌های مختلف سیاسی، مذهبی یا شخصی، یا توجه به جایگاه مهم و احکام ویژه صحابه، افرادی را صحابی معرفی کنند که تبعات مخربی در عرصه دینی داشته باشد. یک مورد آن جعل روایات و نسبت دادن آنها به رسول خدا (ص) است. بنابراین هر دو موضوع از محورهای اصلی بحث، پیرامون صحابه می‌باشد.

علمای اهل سنت، تعاریف مختلفی از صحابه ارائه داده‌اند که به نظر می‌رسد این بحث میان علمای اصول و حدیث، تفاوت‌هایی داشته است. ابن حجر عسقلانی در مجموعه بزرگ خود، الاصابه فی تمییز الصحابه، تعاریف مختلفی از علما و محدثان آورده است.^۱

از مجموع این تعاریف، جامع و مانع‌ترین تعریف برای معنی «صحابه» که مورد اتفاق می‌باشد، این است: «الصحابی من لقی النبی مومناً به و مات علی الاسلام»^۲

بحث دوم، یعنی راه شناخت صحابه از بحث اول مهم‌تر است. از این رو راه‌های مختلفی اندیشیده و ارائه شده که به اجمال عبارتند از:

۱. تواتر

۲. شهرت و استفاضه. یعنی خبر صحابی بودن فلان شخص به حد تواتر نرسیده است؛ اما میان مورخان و محدثان مشهور و در اصطلاح، خبر مستفیض شده است مانند ضمام بن ثعلبه و عکاشه بن محصن.

۳- یکی از اصحاب رسول خدا (ص) بر صحابی بودن فلان شخص شهادت دهد چنانکه ابو موسی اشعری در باره حممه بن ابی احممه الدوسی که در اصفهان درگذشت، شهادت داد.

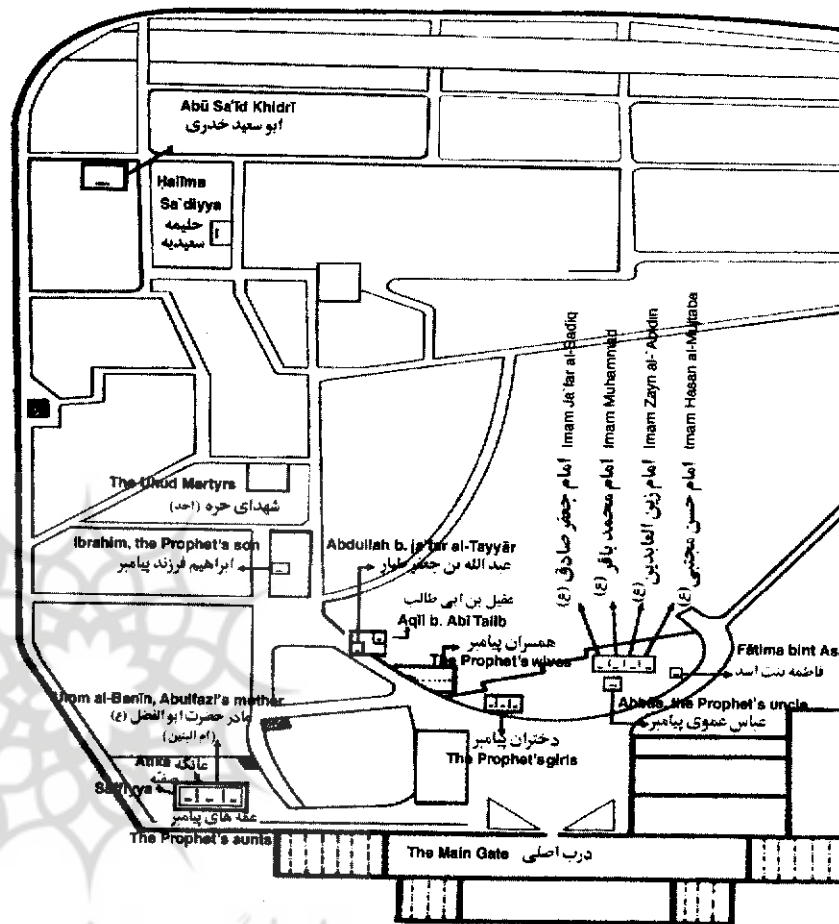


تعریف و راه‌های شناخت صحابه

اصحاب رسول خدا (ص)، یعنی کسانی که در کنار پیامبر (ص) بوده و از نزدیک شاهد قضایای عصر نبوی و رفتار و سخنان آن حضرت بوده‌اند، به عنوان ناقلان احکام و اخبار پیامبر (ص) از جایگاه ممتازی در نزد مسلمانان، به ویژه اهل سنت برخوردارند. به سبب این موقعیت ویژه، بسیاری از علما و محدثان اهل سنت برای شناخت آنان از دیر باز با عنوان‌های «معرفة الصحابه» و یا «معجم صحابه» و یا «تاریخ صحابه»، به تدوین و جمع آوری نام صحابه و شرح زندگانی آنان پرداخته‌اند. طبعاً این مجموعه‌ها را می‌توان نخستین دایره المعارف‌هایی دانست که مسلمانان در عرصه فرهنگ و تمدن بشری پیشگام آن بوده‌اند.

مهم‌ترین بحث در باره صحابه دو موضوع بوده است:

با توجه به اشکالی که از جهت تعریف بر حصر صحابی به کسانی که از رسول خدا(ص) روایت کرده‌اند و نیز خروج شمار زیادی از صحابه با این قید، بسیاری از معجم‌نویسان صحابه از این شیوه پیروی نکرده و برای ثبت اخبار تاریخی مربوط به صحابه به ذکر تمام کسانی که از راه‌های مختلف، صحابی بودن آنان به اثبات رسیده پرداخته و شیوه ترجمه‌نگاری - و نه حدیث‌نگاری - را در معجم‌های خود انتخاب کرده‌اند. آنچه از همه راه‌ها برای آنان قابل توجه بوده و بدان استناد کرده‌اند علاوه بر تواتر، شهرت صحابی بودن فردی در نزد مورخان بوده است. در عین حال از روایت نیز غافل نشده و برای اطمینان و در صورت لزوم، روایت و یا روایاتی را از آن صحابی - هر چند با اشاره - نقل کرده‌اند.



۲۹ - نقشه قبرستان بقیع
 - خارطة مقبرة البقيع
 Map of the Baqi' Cemetery.

نامی برای آنان انتخاب گردد، معلوم می‌شود این اطفال به حضور رسول خدا (ص) شرفیاب شده‌اند.
 ۳- تمام مردم مکه و مدینه و طائف و قبایل میان این شهرها اسلام آورده و در حجه الوداع حضور داشته‌اند؛ زیرا این افراد رسول خدا (ص) را دیده‌اند، گرچه پیامبر(ص) آن شخص یا اشخاص را به تنهایی ندیده باشد.

فهرست تعدادی از معجم‌های صحابه

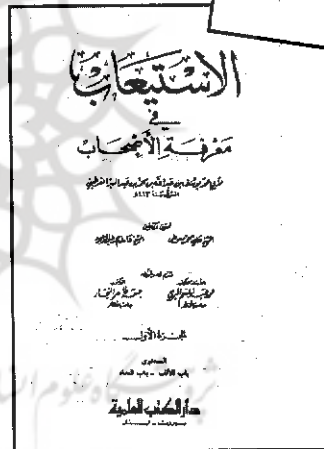
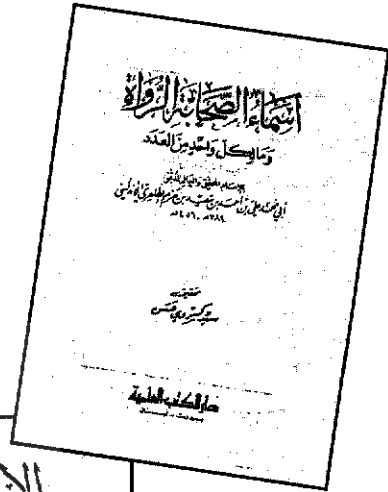
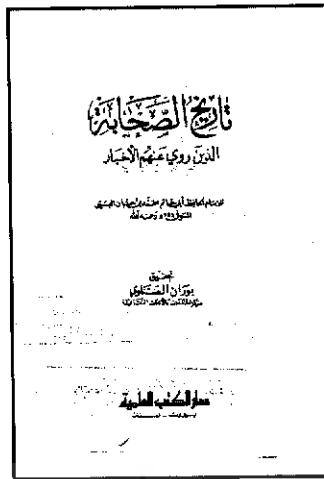
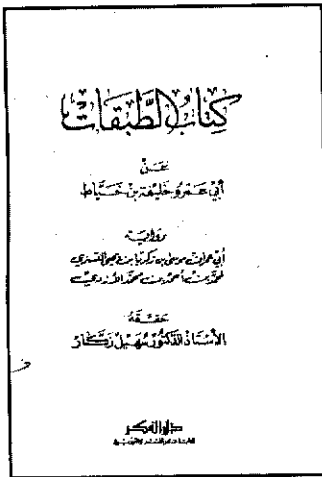
چنان که بیان شد علمای زیادی به ثبت و ضبط اسامی اصحاب رسول خدا(ص) و شرح زندگانی آنان پرداخته‌اند. شیبانی در کتاب خود معجم ما الف عن الصحابه و امهات المومنین به بیش از ۱۳۰۰ تصنیف، اعم از خطی و چاپی، رسائل بزرگ و کوچک و مقاله و مجله در باره صحابه اشاره کرده است. همچنین سخاوی در الاعلان بالتوبیخ و اکرم ضیاء عمری در کتاب بحوث فی تاریخ السنه المشرفه اسامی این کتابها را

۴- یکی از تابعین بر صحابی بودن کسی شهادت دهد. البته بنا بر نظریه صحیح حجیت خبر واحد عادل.

۵- خود آن شخص پس از اثبات عدالتش و هم عصر بودنش با پیامبر(ص) خود را صحابی معرفی کند. این عصر را بر اساس روایتی از رسول خدا (ص) ۱۰۰ و یا ۱۲۰ سال دانسته‌اند که پس از این مدت چنین ادعایی پذیرفته نیست.

این حجر ضوابط و راه‌های کلی دیگری ارایه داده است که بسیاری از اصحاب رسول خدا (ص) را می‌توان براساس آنها شناخت؛ این ضوابط عبارتند از:

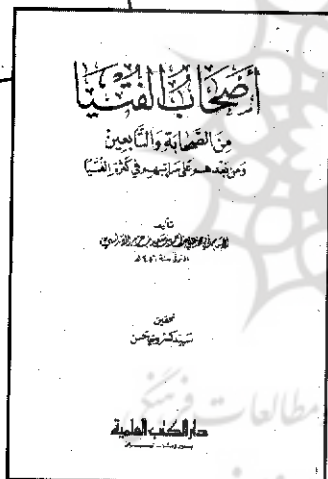
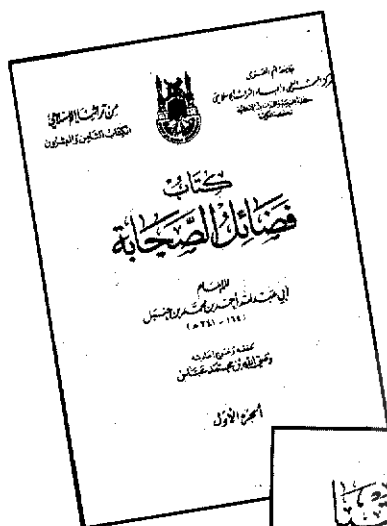
- ۱- اینکه شخص، فرماندهی یکی از جنگ‌های رده و یا فتوحات را داشته باشد. زیرا مسلم است که فرماندهی این جنگ‌ها، تنها بر عهده صحابه بود.
- ۲- اینکه در زمان رسول خدا (ص) به دنیا آمده باشد و چون عادت و اصرار صحابه بر این بوده است که فرزندان خود را به نزد رسول خدا (ص) می‌آورده‌اند تا توسط آن حضرت متبرک شده و



۸. الطبقات. مسلم بن حجاج نیشابوری (م. ۲۶۱).
۹. تاریخ ابن البرقی. (م. ۲۷۰).
۱۰. المعرفة و التاريخ. فسوی، یعقوب بن سفیان (م. ۲۷۷).
۱۱. تسمية اصحاب رسول الله. ترمذی، ابوعیسی (م. ۲۷۹).
۱۲. الاحاد و المثانی. ابن ابی عاصم، احمد بن عمرو شیبانی (م. ۲۸۷).
۱۳. کتاب الصحابة. محمد بن عبدالله بن سلیمان حصرمی (م. ۲۹۷).
۱۴. طبقات اسماء المفردة من الصحابة و التابعین و اصحاب الحديث. احمد بن هارون بردیجی (م. ۳۰۱).
۱۵. خصائص امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع). نسائی، احمد بن شعیب (م. ۳۰۳).
۱۶. فضائل الصحابة. نسائی، احمد بن شعیب (م. ۳۰۳).
۱۷. الاحاد من الصحابة. ابومحمد، عبدالله بن علی بن الجارود (م. ۳۰۷).
۱۸. الكنى و الاسماء. ابوبشر دولابی، محمد بن احمد (م. ۳۱۰).
۱۹. الصحابة. ابوبکر بن عبدالله بن ابی داود سجستانی (م. ۳۱۶).
۲۰. معجم الصحابة. بقوی، عبدالله بن محمد بن عبدالعزیز (م. ۳۱۷).
۲۱. المنتقى من كتاب الطبقات. ابی عروبة، حسین بن محمد بن ابی معشر الحرانی (م. ۳۱۸).
۲۲. من نزل من الصحابة حمص خاصة. ابوالقاسم عبدالصمد بن سعید بن عبدالله جمصی (م. ۳۲۱).
۲۳. من نزل من الصحابة مصر. محمد بن ربیع بن سلیمان چیزى (م. ۳۲۱).

- آورده‌اند.
- در اینجا نیز ما به برخی از این کتاب‌ها اشاره می‌کنیم. برخی از آنها مختص به اصحاب نیست، و در آن‌ها از نام تابعین و دیگران نیز یاد شده است. برخی نیز یا به دست نیامده و یا چاپ نشده است.
۱. الطبقات الكبرى. محمد بن سعد (م. ۲۳۰).
 ۲. ترجمة الامام الحسن. محمد بن سعد (م. ۲۳۰).
 ۳. ترجمة الامام الحسين. محمد بن سعد (م. ۲۳۰).
 ۴. الرواة من الاخوة و الاخوان. علی بن مدینی (م. ۲۳۴) و ابوداود سجستانی (م. ۲۷۵).
 ۵. کتاب الاسامی و الکنی. احمد بن حنبل (م. ۲۴۱).
 ۶. کتاب فضائل الصحابة. احمد بن حنبل (م. ۲۴۱).
 ۷. کتاب التاريخ الكبير (تاریخ الصحابة). بخاری، اسماعیل بن ابراهیم (م. ۲۵۶).

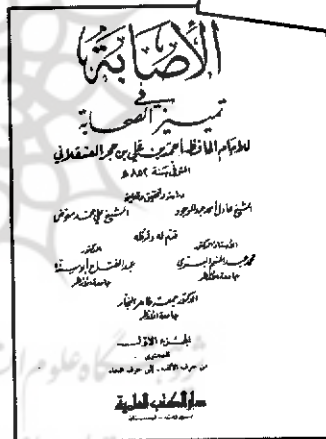
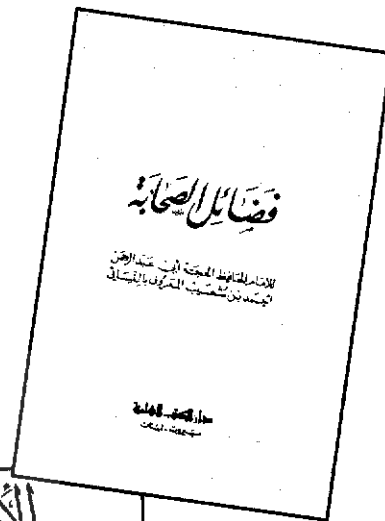
بسیاری از علما و محدثان اهل سنت برای شناخت
 [اصحاب رسول خدا(ص)] از دیرباز با عنوان‌های
 «معرفة الصحابة» و یا «معجم صحابه» و یا «تاریخ
 صحابه»، به تدوین و جمع‌آوری نام صحابه و
 شرح زندگانی آنان پرداخته‌اند. طبعاً این
 مجموعه‌ها را می‌توان نخستین دایرة المعارف‌هایی
 دانست که مسلمانان در عرصه فرهنگ و تمدن
 بشری، پیشگام آن بوده‌اند.



۲۴. کتاب الصحابة. عقیلی، ابو جعفر محمد بن عمر (م. ۳۲۲).
۲۵. تسمية اولاد العشرة و غیرهم من الصحابة. علی بن مدینی (م. ۳۲۳).
۲۶. معرفة من نزل من الصحابة و سائر البلدان. علی بن مدینی (م. ۳۲۳).
۲۷. فضائل الخلفاء الاربعة. ابوبکر احمد بن اسحاق نیشابوی (م. ۳۴۲).
۲۸. فضائل الصحابة. خیثمة بن سلیمان (م. ۳۴۳).
۲۹. معجم الصحابة. عبدالباقی بن قانع (م. ۳۵۱).
۳۰. معجم الصحابة (الحروف بالصحابة). ابن السکَن، ابوعلی سعید بن عثمان (م. ۳۵۳).
۳۱. اسماء الصحابة. محمد بن حبان (م. ۳۵۴).
۳۲. تاریخ الصحابة الذین روى عنهم الاخبار. ابوحاتم محمد بن حبان البُستَی (م. ۳۵۴).
۳۳. اسماء الصحابة. ابن قطان، عبدالله بن عدی (م. ۳۶۰).
۳۴. المعجم الكبير. طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد (م. ۳۶۰).
۳۵. من لم یرو عنه منهم سوى واحد. ابوالفتح محمد بن حسین ازدی موصلی (م. ۳۶۷).
۳۶. کتاب ذکر اسم کل صحابی روى عن رسول الله (ص)... ابوالفتح محمد بن حسین ازدی موصلی (م. ۳۶۷).
۳۷. اسماء من يعرف بکتابته من اصحاب رسول الله (ص). ابوالفتح محمد بن حسین ازدی موصلی (م. ۳۶۷).
۳۸. فضائل الصحابة و مناقبهم. دارقطنی، علی بن عمر (م. ۳۸۵).
۳۹. معرفة الصحابة. ابن منّده، محمد بن اسحاق (م. ۳۹۰).
۴۰. فضائل الصحابة. ابن فطیس، عبدالرحمن بن محمد بن

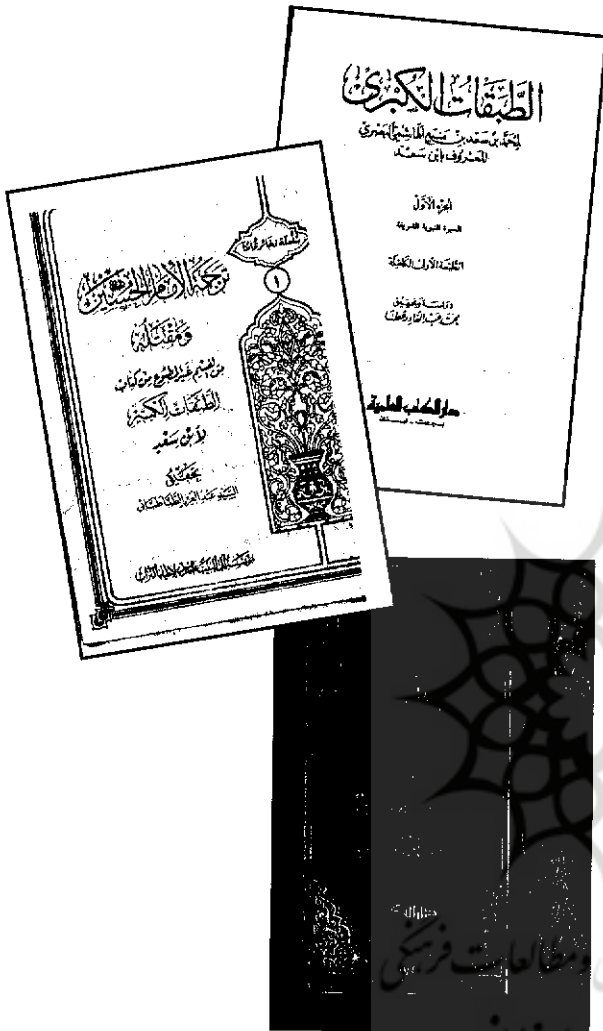
- عیسی (م. ۴۰۲).
۴۱. کتاب الالقاب. ابوالفرضی اندلسی، عبدالله بن محمد ازدی (م. ۴۰۳).
۴۲. الشمانل و الدلائل و معرفة الصحابة الاوائل. ابن معتز، جعفر بن محمد (م. ۴۲۲).
۴۳. حلية الاولیاء و طبقات الاصفیاء. ابونعیم اصبهانی، احمد بن عبدالله (م. ۴۳۰).
۴۴. معرفة الصحابة. ابونعیم اصبهانی، احمد بن عبدالله (م. ۴۳۰).
۴۵. الاسماء المبهمة فی الانباء المحکمة. خطیب بغدادی، احمد بن علی (م. ۴۳۶).
۴۶. اسماء الصحابة الرواة و ما لكل واحد من العدد. ابن حزم اندلسی، علی بن احمد (م. ۴۵۶).
۴۷. اصحاب الفتيا من الصحابة و التابعین و من بعدهم. ابن

«ابن عبدالبر» در مقدمه «استیعاب» تعریف صحابی را منحصر به کسانی ندانسته که مجالست زیاد با پیامبر (ص) داشته اند؛ بلکه صحابی را هر کسی دانسته که حتی یک لحظه در حال ایمان، پیامبر (ص) را ملاقات کرده و یا دیده و یا سخنی از او شنیده و آن را نقل کرده و به وسیله روایات به ما رسیده است. و نیز اطفال مسلمانانی که در زمان رسول خدا (ص) به دنیا آمده اند



۵۴. مناقب اميرالمؤمنين عمر بن الخطاب. ابوالفرج عبدالرحمن بن جوزي (م. ۵۹۷).
۵۵. الاصابة لاوهام حصلت في معرفة الصحابة. مقدسي، عبدالغني بن عبدالواحد (م. ۶۰۰).
۵۶. كتاب الاربعين من مناقب امهات المؤمنين. ابن عساكر دمشق، عبدالرحمن بن محمد بن حسن بن هبة ا (م. ۶۲۰).
۵۷. اسد الغاية في معرفة الصحابة. ابن اثير، علي بن محمد (م. ۶۳۰).
۵۸. مطالب السوول في مناقب آل الرسول. كمال الدين محمد بن طلحة الشافعي (م. ۶۵۲).
۵۹. تحفة الصديق في فضائل ابي بكر الصديق. مقدسي، ابوالقاسم علي بن بليان (م. ۶۸۴).
۶۰. الرياض النضرة في مناقب العشرة. محب الدين طبري، احمد بن عبدالله (م. ۶۹۴).
۶۱. مناقب اميرالمؤمنين علي بن ابي طالب. محب الدين طبري، احمد بن عبدالله (م. ۶۹۴).
۶۲. السمط الثمين في مناقب امهات المؤمنين. محب الدين طبري، احمد بن عبدالله (م. ۶۹۴).
۶۳. فضائل العشرة المبشرة. برهان الدين ابراهيم بن عبدالرحمن (م. ۷۲۹).
۶۴. تجريد اسماء الصحابة. ذهبي، محمد بن احمد (م. ۷۴۸).
۶۵. غيث السحابة في فضائل الصحابة. يوسف بن محمد العبادي (م. ۷۷۶).
۶۶. اعلام الاصابة الاعلام الصحابة. مقدسي، محمد بن يعقوب (م. ۷۹۷).
۶۷. اسنى المطالب في مناقب سيدنا علي بن ابي طالب. محمد بن جزري شافعي (م. ۸۳۳).
۶۸. مناقب الاسد الغالب علي بن ابي طالب. شمس الدين

- حزم اندلسي، علي بن احمد (م. ۴۵۶).
۴۸. الاستيعاب في معرفة الاصحاب. ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله (م. ۴۶۳).
۴۹. من روى منهم عن التابعين. خطيب بغدادي، احمد بن علي (م. ۴۶۳).
۵۰. القاب الصحابة و التابعين في المسندين الصحيحين. ابوعلی حسین بن محمد جیانی اندلسی (م. ۴۹۸).
۵۱. اردافة منهم و کذا من عاش منهم مائة و عشرين. ابوزكريا بن منده، يحيى بن عبدالوهاب عبيد اصبهاني (م. ۵۱۱).
۵۲. ذكر العشرة المبشرة. زمخشري، محمد بن عمر (م. ۵۳۸).
۵۳. ترتيب اسماء الصحابة الذين اخرج حديثهم احمد بن حنبل في المسند. ابن عساكر، علي بن الحسين (م. ۵۷۱).



- محمد بن جزری. (م. ۸۳۳).
۶۹. الاصابة فی تمييز الصحابة. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م. ۸۵۲).
۷۰. مختصر المحاسن المجتمعة فی فضائل الخلفاء الاربعة. صفوری، عبدالرحمن بن عبدالسلام (م. ۸۹۴).
۷۱. الثغور الیاسمة فی مناقب فاطمة. جلال الدین سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (م. ۹۱۱).
۷۲. ریح النسرین فیمن بلغ من الصحابة مائة و عشرين. جلال الدین سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (م. ۹۱۱).
۷۳. حياة الصحابة. کاندهلوی، محمد بن یوسف (م. ۱۳۸۴).
۷۴. المصایب فی الصحابة. شیرازی، یحیی بن یونس (م. ۹۰۰).
۶۴. فضائل الصحابة. دیلمی، ابوالقاسم عمر بن علی (م. ۹۰۰).

تقسیم بندی کلی معاجم صحابه

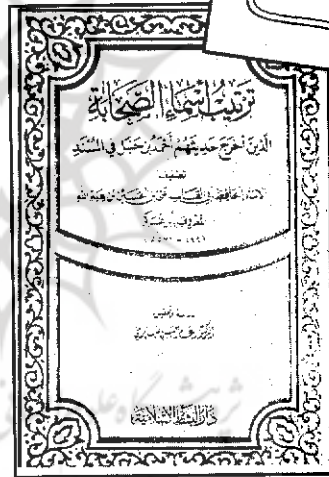
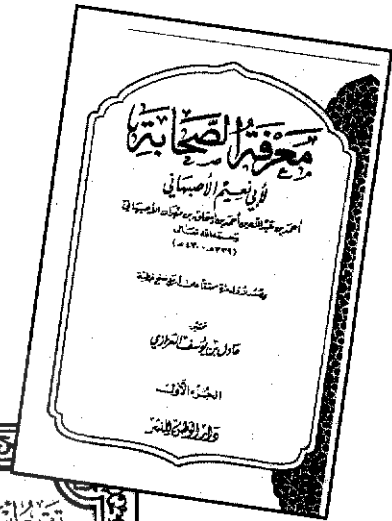
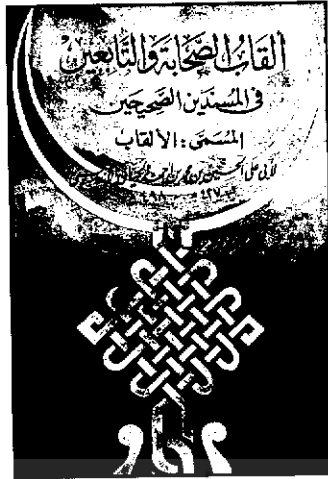
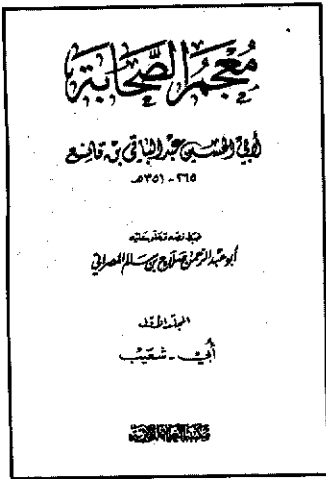
از میان راه‌های پنجگانه قبلی که بیان شد، بیشتر معجم نویسان علاوه بر تواتر، بر شهرت و روایت و برخی نیز تنها بر روایت تکیه نموده‌اند و در کتاب‌های خود بر اساس این دو ملاک نام‌هایی را به عنوان اصحاب رسول خدا (ص) بر شمرده‌اند. در اینجا شیوه‌های برخی از این کتاب‌ها بررسی می‌شود.

معجم نویسی بر اساس روایت:

تعدادی از کتاب‌های مربوط به صحابه بدین روش است؛ یعنی تنها از کسانی نام برده‌اند که روایاتی از آنان نقل شده است. البته این شیوه را می‌توان به دو گونه تفسیر کرد که هر دو نیز صحیح است. نخست اینکه برشمردن تنها اصحابی که روایت دارند نه به این جهت است که مؤلف از راه حدیث، صحابی بودن کسی را خواسته اثبات کند بلکه منظور او مشخص کردن این افراد و برشمردن برخی از احادیث آنان بوده است. کتاب‌هایی چون الاحاد و المثانی و المعجم الکبیر طبرانی و مسند احمد و تاریخ الصحابة الذین روی عنهم الاخبار ابن حبان و اسماء الصحابة الرواة ابن حزم اندلسی را از این گونه کتاب‌ها می‌توان برشمرد. برداشت دیگر از این روش این است که مؤلف در صدد اثبات صحابی بودن افراد از طریق حدیث و روایت از رسول خدا (ص) بوده است. تفاوت و تشخیص این دو را می‌توان از کیفیت نقل روایات تا اندازه‌ای شناخت که در موارد خود بدان اشاره خواهد شد.

اثبات صحابی از طریق روایت بدین گونه است که یا در متن روایت نامی از آن شخص برده شده است و یا اینکه خود، روایت کرده که من از رسول خدا (ص) شنیدم یا دیدم. مثال اول: یحیی بن عبدالملک بن هبار بن الاسود عن ابيه عن جده: ان النبي مر بدار علی بن هبار فسمع صوتاً فقال: ما هذا؟ قالوا: علی بن هبار تزوج. قال: هذا النکاح لا السفاح.^۶

برای مورد دوم مثال‌های بسیاری می‌توان آورد. روایاتی که از رسول خدا (ص) نقل کرده‌اند از این جمله است. علت روی آوردن به این روش را می‌توان در دو نکته دانست: نخست تعریف صحابه که برخی صحابی را کسی می‌دانستند که با پیامبر (ص) مجالست داشته و حدیثی و یا سخنی از آن حضرت شنیده است.^۵ دوم، همچنانکه خلیفه و شافعی و ابوزرعه گفته‌اند صحابه در زمان وفات پیامبر (ص) بالغ بر ۶۰ هزار (۳۰ هزار در مدینه و ۳۰ هزار نفر دیگر در خارج از مدینه) و یا ۱۰۰ هزار نفر بوده‌اند و چون ثبت و ضبط اسامی آنان غیر ممکن و یا بسیار مشکل و غیر قابل اطمینان بوده است از این رو برای برشمردن و شناخت صحابه، نقل روایت را میزان قرار داده‌اند. به همین دلیل ابوزرعه تعداد اصحابی را که از پیامبر (ص) روایت دارند تنها هزار نفر دانسته و حاکم چهار هزار نفر گفته است.^۶



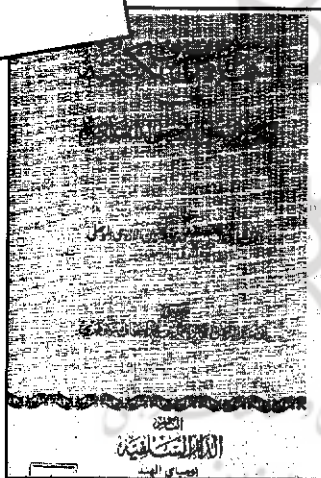
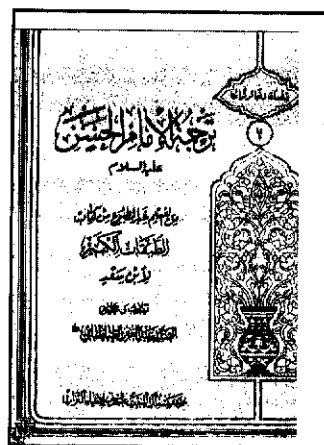
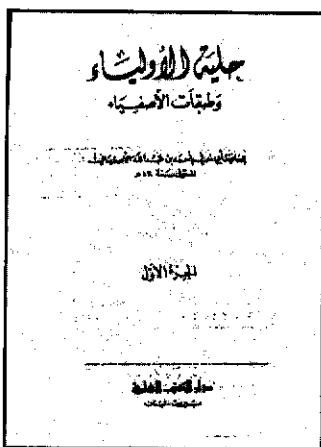
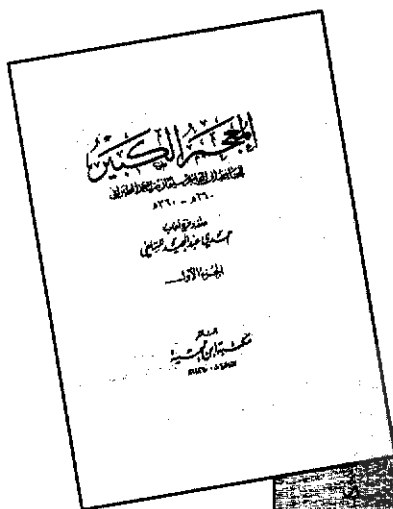
پیامبر (ص) نقل می‌کند اما شنیدن حدیث از رسول خدا (ص) برای او ثابت نیست و به اصطلاح «سماع» حاصل نشده است. با توجه به این اشکالات در معجم‌هایی که با شیوهٔ روایی نگاشته شده‌اند نام بسیاری از اصحاب از قلم افتاده و حذف شده‌اند. نام و توصیف برخی از این گونه معجم‌ها به قرار ذیل است.

الطبقات. خلیفة بن خیاط (م. ۲۴۰):

با تأمل در طبقات خلیفه در می‌یابیم که او نیز تنها از اصحابی نام برده که از طریق روایت، صحابی بودن آنان ثابت شده است و شیوهٔ کلی او این بوده است که تنها به اسامی افرادی اشاره کند که روایتی نقل کرده‌اند. او علت این امر را شمار زیاد اصحاب و عدم ثبت و ضبط اسامی آنان دانسته است؛ چرا که ایشان پس از پیامبر (ص) در شهرها و بادیه‌ها پراکنده شدند و از این رو، راه شناخت اسامی آنان روایاتی است که نقل کرده‌اند. به همین دلیل برای او روایت مهم بوده است. این مطلب را می‌توان از برخی عناوین طبقات به دست آورد مانند: ممن حفظ عنه الحدیث من اصحاب رسول الله ممن اقام بالمدينة (ص ۲۹)؛ ممن حفظ عنه الحدیث من اصحاب رسول الله ممن اقام بالمدينة (ص ۲۹)؛ تسمیة من روی عن رسول الله من ربیعة (ص ۱۱۶)؛ کل هؤلاء من ساکنی الیمامة و ذکر ابو ایوب الیمامی کلهم روی عن النبی (ص ۱۲۴)؛ من حضرموت ثم من کنده له رواية (ص ۵۵۷)؛ تسمیة من حفظ عنه الحدیث عن رسول الله من النساء (ص ۶۱۹).

وی با توجه به این عنوان‌ها، در ذیل نام هر یک از اصحاب، نقل روایت آنان را لازم ندانسته و تنها به نام آنها بسنده کرده است، بنابراین نباید تصور شود که این موضوع از باب تواتر بوده است. چرا که بسیاری از اصحاب رسول خدا (ص) را که صحابی بودن آنان نزد مورخان و محدثان مسلم و متواتر بوده، نیاورده است. شاهد مطلب اینکه خلیفه از میان شهدای بدر تنها

به نظر می‌رسد این روش بیشتر میان کسانی رایج بوده است که به جنبهٔ حدیث نگاری بیشتر توجه داشته‌اند و تاریخ را از منظر حدیث نگاری می‌دیده‌اند. این روش بیشتر میان مکتب مدینه و حجاز و قرن دوم و سوم هجرت رواج داشته است. گرچه به این شیوه به درستی ایراد وارد شده است که صحابی بودن یک امر است و اثبات صحابی امری دیگر؛ چرا که ممکن است صحابی بودن کسی از راه‌های دیگری غیر از نقل روایت ثابت شده باشد و یا اینکه کسی از اصحاب باشد اما روایتی نداشته باشد؛ مانند **حویط بن عبدالعزی** که هیچ روایتی از رسول خدا (ص) ندارد اما به طور قطع وی در شمار افرادی است که در فتح مکه اسلام آورده است؛ یا اینکه روایتی دال بر صحابی بودن شخصی هست؛ اما آن روایت ضعیف است و نمی‌توان بدان استناد کرد. مانند **عبدالله بن جبیر** و یا اینکه روایت صحیح است؛ اما آن شخص تابعی است و گرچه از



به نام عاقل بن ابی بکیر و سعد بن خیشمه اشاره کرده است و این بدان دلیل بوده که از این دو روایت نقل شده است ۷ و از شهدای دیگر به دلیل اینکه روایتی نداشته‌اند نامی نبرده است. مانند آنسه مولى رسول الله (ص)، حارثة بن سراقه، رافع بن معلى، صفوان بن بیضاء، عاصم بن ثابت، عبید بن سکن، عبیده بن الحارث، عوف بن عفراء، عمیر بن ابی وقاص، عمیر بن الحمام، عمیر بن عبد عمرو، معاذ بن معاصی، مبشر بن عبد المنذر و یزید بن حارث. وی همچنین از شهدای بترمعونه نامی نبرده است مانند: حارث بن صمه، حرام بن ملحان، خبیب بن عدی، زید بن دثنه، عاصم بن ثابت. تمام این افراد با اینکه صحابی بودن آنان مورد اتفاق مورخان است؛ اما در الطبقات حذف شده‌اند.

با این حال خلیفه در بسیاری از موارد به شکل‌های مختلف تذکر داده است که این شخص از رسول خدا (ص) روایت دارد. خلیفه شیوه یکسانی در نقل روایت آنان ندارد گاه تمام روایت را می‌آورد و گاه قسمتی از آن را. مثلاً در باره ربیع بن عباد می‌گوید: روی: رایب رسول الله بمنی و یا مانند قیس بن عاذ گوید: نزل الکوفة، روی ان التبی کان یخطب. آشکار است که این روایت هیچ پیامی برای خواننده، جز اثبات صحابی بودن «ربیع» و «قیس» از طریق روایت، ندارد.

خلیفه در موارد دیگر نیز به این گونه روایات اشاره کرده است مانند گهمس الهالی (ص ۱۱۰) و عمارة بن ربیعة (ص ۱۰۸)، عطیة بن عروة (ص ۱۰۸)، حبشی بن جنادة (ص ۱۰۹)، عکاف بن وداع (ص ۱۱۰) و مخنف بن سلیم (ص ۱۹۰). خلیفه در برخی موارد نیز تنها به اینکه در فلان باب روایتی دارد اکتفا کرده است. مثلاً می‌گوید: روی یا «روت عن النبی فی الصوم»، (ص ۶۲۲)، فی عذاب القبر، (ص ۶۲۲)، فی القنوت، (ص ۶۲۳) فی التسییح، (ص ۶۳۲) و... در برخی موارد دیگر حتی به این نیز اشاره نکرده و تنها به عبارت روی یا روت بسنده

کرده است. (ص ۶۳۱) برخی از اصحاب نامشان مجهول است و خلیفه تنها بر اساس روایتی که به این اصحاب اشاره شده استناد نموده است مانند شماره ۴۱۷ که چنین آمده است: رجل، روی عن النبی انه قرأ: ایحسب أن لم یره أحد. (ص ۱۱۵) این اشارات نشان می‌دهد که خلیفه در صدد کمک رسانی به حدیث نیست و نخواستنه مانند معجم طبرانی و مسند احمد و برخی دیگر از کتاب‌ها به جمع آوری احادیث اصحاب بپردازد و آنان را از دیگر صحابه تمییز دهد، زیرا در این صورت بایستی روایات را به طور کامل نقل می‌کرد؛ بلکه منظور او اثبات صحابی بودن آنان از طریق روایت بوده است.

گرچه این ملاک و شیوه خلیفه در الطبقات است، اما وی از افرادی نیز نام برده که حتی یک روایت هم نداشته‌اند و در ذیل نامشان این بیان را تکرار کرده است: لیست له رواية؛ له صحبة، لایعرف له رواية مانند سلیط بن سلیم (ص ۲۹۸)، ربیعة بن

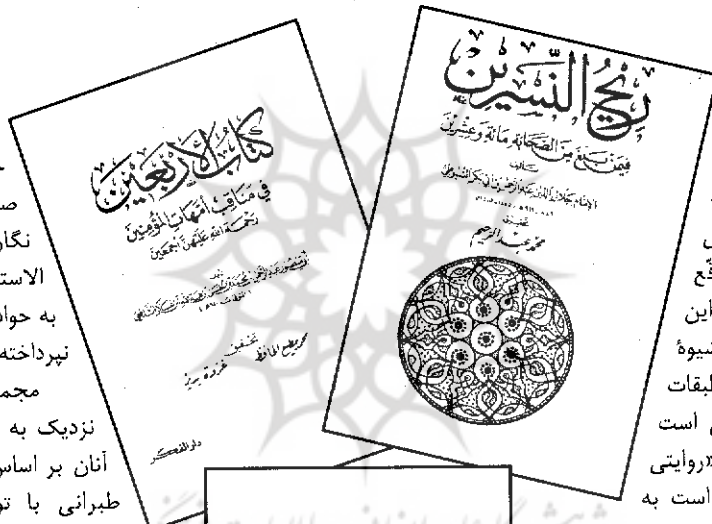
برای «ابن اثیر» ثبوت رؤیت رسول خدا(ص) و یا روایت از آن حضرت، ملاک صحابی بودن افراد است و از این رو هر چند ثابت شده باشد که افرادی در زمان حیات پیامبر(ص) بوده و حتی مسلمان شده‌اند، اما روایت اثبات نشده باشد، از نظر «ابن اثیر» صحابی نخواهند بود و این مطلب، یکی از تفاوت‌های عمده کتاب «ابن اثیر» با «ابن حجر» است

خلاف دیگر معجم‌های صحابه که به گونه تراجم نگاری می‌باشند، مانند الاستیعاب و اسدالغابه و الاصابة به حوادث تاریخی مربوط به آنان نپرداخته است.

مجموع اصحاب نام برده شده نزدیک به ۱۵۰۰ نفر است که ترتیب آنان بر اساس حروف معجم می‌باشد. طبرانی با توجه به جایگاه «عشره مبشره»، اسامی آنان را جلو انداخته است.

وی همانند ابن سعد در طبقات با استناد به روایاتی که از مشایخ خود اخذ کرده، اصحاب رسول خدا (ص) را برشمرده و در ذیل هر یک به نسب و صفات و احوال و وفات آنان، به شیوه حدیث نگاری و «معنعن» اشاره کرده و سپس به روایات آنان پرداخته است. طبرانی به تمام احادیث صحابی که روایات زیادی دارند و در اصطلاح در شمار «مکثرین» هستند تنها تعدادی از آنها را نقل می‌کند اما در باره افرادی که تعداد کمی روایت نقل کرده‌اند سعی بر آن دارد که تمام آنها را نقل کند.

چنانچه احادیث موضوعی باشند تحت یک عنوان قرار می‌گیرند مثلاً باب فی الصرف و چنانچه روایات موضوعات مختلفی داشته باشند ترتیب خاصی در نقل آنها نیست. ترتیب دیگری که طبرانی در نقل روایات دارد براساس تابعینی است که از آن صحابی روایاتی نقل کرده‌اند. نکته‌ای که در نقل این روایات باید بدان توجه داشت اینکه طبرانی تنها به احادیث صحیح استناد نکرده؛ بلکه در میان آنها روایات حسن و ضعیف

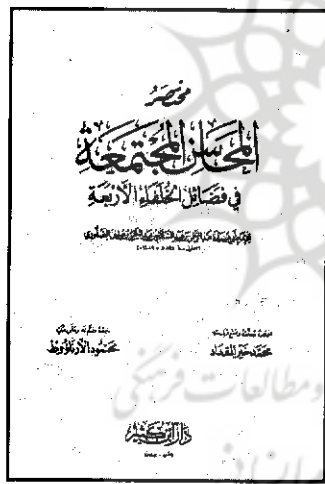
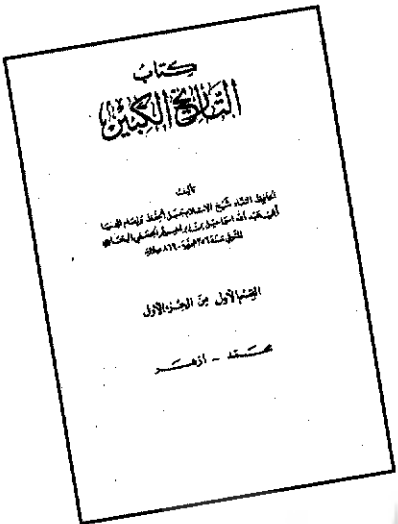
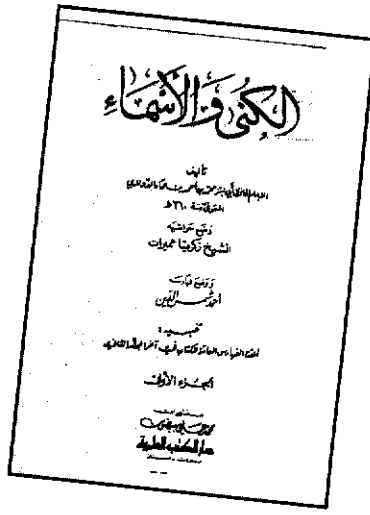


ابی الصلت، (صص ۱۰۶ و ۳۱۱) و ابوصفیه سعد بن عمرو (ص ۳۱۱) حَجَن بن مرقع (ص ۱۹۱). ذکر نام این افراد خروج از آن شیوه کلی حاکم بر کتاب الطبقات نیست بلکه استثنائاتی است که تذکر آن با عبارت «روایتی ندارند» خود اشاره‌ای است به شیوه مورد نظر.

المعجم تألیف ابوالحسین عبدالباقی بن قانع (۲۶۵ - ۳۵۱) معروف به معجم ابن قانع: ابن قانع آن را در سال ۳۴۷ تألیف کرده است.^۸ وی در ذیل هر یک از افرادی که نام برده یک یا چند روایت نیز نقل کرده است. مجموع اصحاب برشمرده در این کتاب ۱۲۲۶ نفر صحابی است که وقتی این تعداد را با ۴۲۲۵ صحابی مذکور در الاستیعاب و ۷۷۱۱ صحابی در اسد الغابه مقایسه کنیم متوجه می‌شویم که شیوه اتخاذ شده در

معجم ابن قانع چه مقدار از اصحاب رسول خدا (ص) را حذف می‌کند. علاوه بر اینکه در این معجم از زنان صحابه هیچ نامی برده نشده است.

المعجم الكبير، تألیف طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد (م. ۳۶۰). این کتاب همانند مسند احمد بیشتر شبیه یک کتاب حدیثی است تا معجم نگاری تاریخی. یعنی مؤلف خواسته تا جایی که ممکن است تمام اصحابی را که از رسول خدا (ص) روایت و یا روایاتی نقل کرده‌اند جمع آوری کند. از این رو بر



نیز وجود دارد.

طبرانی به برخی از اصحاب نیز اشاره کرده ولی هیچگونه روایتی از آنها نقل نکرده است. این موضوع یا به این دلیل بوده که وی روایتی از این افراد، از مشایخ خود نشنیده و یا اینکه این اصحاب هیچ روایتی نداشته‌اند، مانند برخی که در بدر و احد شهید شده‌اند. طبرانی برای اینکه بر شیوه خود باقی بماند و در عین حال کتاب خود را از ذکر اسامی آنان خالی نگذارد تنها به نام آنان اکتفا کرده و برای اثبات صحابی بودن آنان به کتاب‌های سیره نگاران و مورخان استناد کرده است. کتاب‌های دیگری که فقط به چنین اصحابی اختصاص یافته عبارتند از:

الرواة من الاخوة و الاخوات. علی بن مدینی (م. ۲۳۴) و ابوداود سجستانی (م. ۲۵۷)

الاحاد و المثانی. ابن ابی عاصم احمد بن عمرو شیبانی (۲۰۶ - ۲۸۷) از نام این کتاب آشکار است که ذیل نام اصحابی که اشاره کرده یک یا دو روایت از آنان نقل کرده است. البته این شیوه در باره اصحاب مشهوری چون عشره مبشره و مانند آنان نیست. همچنین در باره برخی دیگر بیش از دو روایت از آنان نقل کرده است. بنابراین می‌توان گفت شیوه غالب او بر ذکر اصحابی بوده که یک یا دو روایت نقل کرده‌اند به گونه‌ای که حتی از برخی اصحاب که یک روایت هم نداشته‌اند نام برده است. مانند حکیم بن مسلم عقیلی شماره ۴۳۶ و ۴۳۷، جبار بن صخر بن امیه شماره ۵۵۸، اوس بن صامت شماره ۵۶۲، عبدالله بن کعب شماره ۵۷۳ و عبدالله بن سعد ۵۸۰.

شیوه مؤلف برای گزینش اخبار و روایات معلوم نیست؛ اما همچنان که محقق کتاب گفته است احتمال دارد از روایاتی گزینش شده که نزد محدثان از جهت سند و متن و یا یکی از آن دو به احادیث غریب معروفند استفاده کرده باشد مانند حدیث

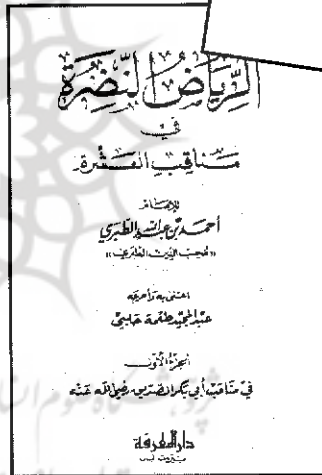
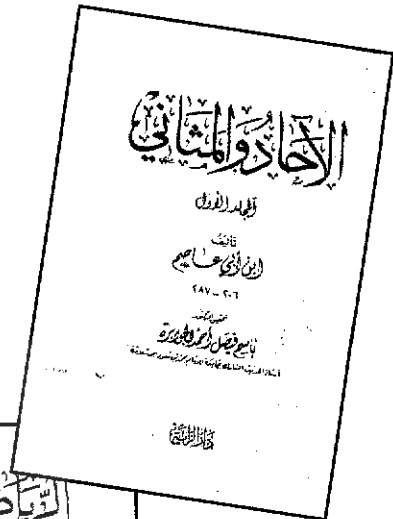
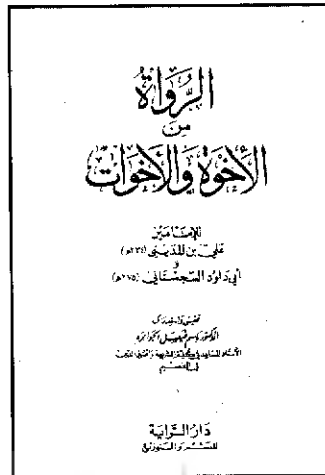
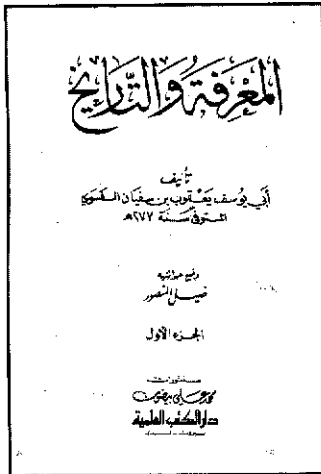
عثمان بن مظعون که از پیامبر (ص) نقل کرده که فرمودند: اعوذ با من شر العوامد و العامة. این حدیث را هیچ یک از کتاب‌های حدیثی اهل سنت از عبدالله بن مظعون نقل نکرده‌اند و تنها در این کتاب از او این روایت آمده است.

الاحاد من الصحابة. ابومحمد عبدالله بن علی بن الجارود (م. ۳۰۷).

من لم یرو عنه من الصحابة سوی واحد. ابوالفتح محمد بن حسین ازدی موصلی (م. ۳۶۷).

تاریخ الصحابة الذین روی عنهم الاخبار. محمد بن حبان (م. ۳۵۴) وی در این کتاب از ۱۶۰۸ راوی صحابی نام برده است.

کتاب ذکر اسم کل صحابی روی عن رسول الله امرأ و نهبأ و من بعده من التابعین و غیرهم ممن لا اخ له یوافق اسمه من نقله الحدیث من جمیع المصار. حافظ ابوالفتح محمد بن حسین



کتاب تاریخ و اسماء المحدثین و کتاهم. قاضی ابو عبدالله محمد بن احمد مقدمی (م ۳۰۱) این کتاب به اصحاب رسول خدا (ص) اختصاص ندارد؛ اما مؤلف در ابتدا از ۱۳۵ نفر نام برده است.

معجم نویسی بر اساس شهرت (نزد علمای حدیث و سیره و اتساب) و روایت:

با توجه به اشکالی که از جهت تعریف بر حصر صحابی به کسانی که از رسول خدا (ص) روایت کرده‌اند و نیز خروج شمار زیادی از صحابه با این قید، بسیاری از معجم نویسان صحابه از این شیوه پیروی نکرده و برای ثبت اخبار تاریخی مربوط به صحابه به ذکر تمام کسانی که از راه‌های مختلف صحابی بودن آنان به اثبات رسیده پرداخته و شیوه ترجمه نگاری - و نه حدیث‌نگاری - را در معجم‌های خود انتخاب کرده‌اند.

آنچه از همه راه‌ها برای آنان قابل توجه بوده و بدان استناد کرده‌اند علاوه بر تواتر، شهرت صحابی بودن فردی در نزد مورخان و محدثان بوده است. در عین حال از روایت نیز غافل نشده و برای اطمینان و در صورت لزوم، روایت و یا روایاتی را از آن صحابی - هر چند با اشاره - نقل کرده‌اند. توضیح بیشتر در این باره، ذیل کتاب‌هایی که از آنها نام برده می‌شود خواهد آمد: **معرفه الصحابة.** ابونعیم اصبهانی احمد بن عبدالله (۳۳۹ - ۴۳۰) از مشهورترین کتاب‌هایی که در باره شناخت اصحاب رسول خدا (ص) نوشته شده و در آن از ۱۴۰۲ نفر نام برده است. وی در ابتدا به ۱۷ بحث کلی در باره صحابه پرداخته که برخی از آنان عبارتند از:

شناخت تفاوت مهاجرین و انصار؛ شناخت مهاجرین نخست و تفاوت آنان با دیگر مهاجرین؛ هجرت به حبشه و فضیلت مهاجرین به حبشه؛ تعداد کسانی که در بدر شرکت کردند؛ تعداد کسانی که در حدیبیه بودند؛ عشرة مبشره؛ دستور پیامبر (ص) به اقتدا به صحابه.

ازدی موصلی (م. ۳۶۷) این کتاب همچنانکه از نامش پیداست به صحابه اختصاص ندارد. مجموع افراد نام برده شده ۶۲۹ نفر از صحابه و غیر آن می‌باشد. در این کتاب از برخی اصحاب یاد شده که در معجم‌های دیگر صحابه از آنان نامی نیست. محقق کتاب این افراد را ۱۲ نفر ذکر کرده است. (ص. ۶)

أسماء الصحابة الرواة و ما لكل واحد من العدد. ابن حزم اندلسی، علی بن احمد (م. ۴۵۶). این کتاب و نیز چند کتاب پیشین را باید در شمار معجم‌هایی برشمرد که نویسندگان آنها تنها اصحاب راوی را آورده‌اند و تنها راه اثبات صحابی را نقل روایت دانسته‌اند. ابن حزم در این کتاب اصحابی را که روایاتشان به هزاران می‌رسد تا اصحابی که تنها یک روایت از آنها نقل شده نام برده که تعداد آنان ۱۰۱۸ نفر است.

ترتیب اسماء الصحابة الذين اخرج حديثهم احمد بن حنبل في المسند. ابن عساکر (م. ۵۷۱) تعداد اصحاب نام برده شده ۱۰۵۶ نفر است.

«ابن حجر»، بخش چهارم کتاب «الاصابة» را به مبهمات، یعنی افرادی که پیشینیان به غلط آنان را صحابی دانسته‌اند، اختصاص داده است. در این بخش، بسیاری از اشکالات و توهمات درباره صحابه از جهت نام، شباهت‌ها و اختلافات اسمی که سبب شده میان یک یا چند شخص توهم و اشتباه صورت گیرد، بیان شده است

وی در ذیل هر یک از این عناوین به روایاتی از رسول خدا (ص) تمسک جسته است.

صرف نظر از اینکه ابونعیم در شمردن نام صحابه چه ترتیبی را اتخاذ کرده، سؤال مهم این است که ابونعیم در کتاب معرفة الصحابة برای شناخت و معرفی اصحاب رسول خدا (ص) به کدام ملاک‌ها و شیوه‌ها استناد کرده است؟ با مطالعه و تامل در کتاب معرفة الصحابة به نکاتی دست می‌یابیم که تا حدودی ملاک‌های ابونعیم را نشان می‌دهد.

مطلب نخست اینکه وی مخالف شیوه ابن قانع و خلیفه و کتاب‌هایی است که به روایت برای اثبات صحابی بودن استناد کرده‌اند. ابونعیم با این بیان که بر فرض صحت روایت نمی‌توان صحابی بودن راوی را اثبات کرد برای این موضوع بیان می‌دارد که حضور این اشخاص در زمان رسول خدا (ص) دلیل بر صحابی بودن این افراد نیست چرا که باید مسلمان شدن آنان نیز ثابت بشود. برای نمونه در ذیل عتبه بن ابی وقاص گوید: برخی از علمای متأخر او را صحابی دانسته‌اند و به حدیث زهری از عروه از عایشه از سعد بن ابی وقاص استناد کرده‌اند در حالی که اسلام آوردن عتبه ثابت نشده است.^{۳۸} همچنین ممکن است «سماع» حاصل نشده باشد. مانند مصعب بن شیبه: «ایاس بن مالک»؛ محمد بن زهیر بن ابی جبل؛ محمد ابومهند المزمی؛ محمد بن علیة القرشی؛ محمود بن شرحبیل؛ عتبه بن طویع.^{۳۹} این افراد از نظر ابونعیم در شمار تابعین هستند. وی این اشتباه را از ناحیه برخی از راویان دانسته و در پایان بایی به نام «ذکر من اسمه محمد و ذکرهم بعض الرواة فی جملة الصحابة واهماً فیهم» گشوده تصریح می‌کند که تمام افرادی که نام برده شد از اصحاب نیستند و تنها برخی بر اساس این روایات موهوم و بی اساس توهم کرده‌اند که آنان در شمار صحابه هستند. وی در ادامه سه ملاک برای شناخت صحابه ارائه می‌دهد که عبارتند از:

- ۱- تایید یکی از علمای پیشین از گروه تابعین؛
 - ۲- تایید یکی از علمای پیشین از گروه تابعین تابعین؛
 - ۳- تایید یکی از علما که سخن او حجت و حکمش نافذ است.
- ابونعیم از این علما به «الائمة» یاد کرده و در موارد متعدد برای رد و یا قبول صحابی بودن فردی به گفتار آنان استناد کرده است.^{۴۰}
- وی برای اهمیت و تاکید بر این که باید به یکی از این راه‌های مطمئن استناد کرد، هشدار می‌دهد که چنانچه به این موارد بی توجهی شود برای هر کسی این راه باز خواهد شد که مدعی صحابی بودن افرادی شود که شناخته شده نیستند.^{۴۱}
- در نزد ابونعیم چون راه‌ها منحصر به روایت نبوده است از افرادی نام برده که هیچ روایتی نداشته‌اند مانند: عیاض بن سعد بن جبر بن عوف (ج ۴، ص ۲۱۷۱) و یا عرفطه بن خباب قرشی حلیف بنی امیه (ج ۴، ص ۲۲۴۲) ولی این بدان معنا نیست که اثبات صحابی بودن شخصی از طریق روایت نزد ابونعیم کم اهمیت بوده است؛ بلکه او به این موضوع توجه کامل داشته و چنانچه متن روایتی دلالت بر صحابی بودن شخصی داشته بدان استناد کرده است. مانند غیلان بن عمرو (ج ۴، ص ۲۲۷۲)؛ مکیل اللیثی (ج ۵، ص ۲۶۱۶)؛ مطربن هلال (ج ۵، ص ۲۶۱۷). همچنین وی در ذیل نام هر یک از اصحاب پس از معرفی نام کامل آنان و کنیه و قبیله‌ای که بدان منسوب هستند و نیز ترجمه و اخبار مربوط به آنان، به نقل روایات پرداخته است.
- ملاک دیگر ابونعیم سخن متأخرین بوده که شاید منظور او مورخان و محدثان معاصر خود او بوده‌اند. وی بارها در معرفة الصحابة به این مطلب تصریح کرده و می‌گوید: «ذکره بعض المتأخرین و لم یزد علیه»، متأخرین این مطلب (صحابی بودن شخص مذکور) را گفته‌اند و بیش از این سخنی نگفته‌اند. (ج ۵، ص ۲۵۹۲ و ۲۶۸۵ و ۲۸۴۶)

کتاب «استیعاب» را می‌توان همانند «طبقات ابن سعد»، از نخستین کتاب‌هایی دانست که معجم‌نویسی صحابه را از گونه حدیث‌نگاری به تراجم‌نگاری سوق داده و به شرح زندگانی اصحاب، بیشتر پرداخته است. این ویژگی، یکی از تفاوت‌های اصلی این گونه کتاب‌ها با کتاب‌های معجم‌نویسی براساس روایت است

نخستین کتاب‌هایی دانست که معجم‌نویسی صحابه را از گونه حدیث‌نگاری به تراجم‌نگاری سوق داده و به شرح زندگانی اصحاب بیشتر پرداخته است. این ویژگی یکی از تفاوت‌های اصلی این گونه کتاب‌ها با کتاب‌های معجم‌نویسی بر اساس روایت است. به دلیل کاستی‌هایی که کتاب الاستیعاب داشته است، ابوبکر بن فتحون، ذیل آن تکمله‌ای نگاشته و به اصحابی که از قلم افتاده‌اند اشاره کرده است.^{۳۳} همچنین این کتاب توسط محمد بن یعقوب مقدسی به نام أعلام الصحابة باعلام الصحابة تلخیص شده است.

اسدالغابة فی معرفة الصحابة. ابن اثیر علی بن محمد (م. ۶۳۰). این کتاب پس از الاستیعاب، بزرگترین کتاب ترجمه نگاری صحابه است. با توجه به کتاب‌هایی که پیش از ابن اثیر نوشته شده وی در مقدمه خود بیان می‌دارد که هدف او از تالیف اسدالغابة جمع بندی میان کتاب‌های تراجم صحابه سه گانه یعنی کتاب ابن منده و ابونعیم و ابن عبدالبر و مستدرکات بر الاستیعاب که برخی مانند ابوموسی محمد بن ابی بکر و ابوعلی غسانی و دیگران نوشته‌اند بوده است، چرا که هر کدام بر اساس شیوه خود افرادی را حذف و یا ذکر کرده‌اند که دیگری بر خلاف قبلی نظر داده است. علاوه بر اینکه شیوه ابن منده و ابونعیم به گونه حدیث‌نگاری و بیان نکات حدیثی از جمله صحت و ضعف و علل احادیث بوده و کمتر به اخبار و احوال صحابه پرداخته‌اند، از این رو ابن اثیر می‌گوید این شیوه به کتاب‌های حدیثی بیشتر شبیه است تا ترجمه نگاری. وی برای جبران این نقیصه یکی از اهداف خود را همین موضوع بیان می‌کند. «چنانچه فرد مذکور از افرادی باشد که تنها یکی از نویسندگان سه گانه او را از اصحاب برشمرده‌اند، ابن اثیر ذیل نام آن صحابی با علامت اختصاری به آنان اشاره کرده است. علامت اختصاری ابن منده «د» و ابونعیم «ع» و ابن عبدالبر «ب» است. چنانچه هر سه بر صحابی بودن فرد مذکور اتفاق داشته‌اند ابن اثیر این مطلب را با «أخرجه الثلاثة» بیان کرده است.^{۳۴}

مقدسی، عبدالغنی بن عبدالواحد (م. ۶۰۰) به برخی از اشتباهات ابونعیم در معرفة الصحابة اشاره کرده و آنها را در کتاب مستقلی با نام الاصابة لاوهام حصلت فی معرفة الصحابة. تذکر داده است.

الاستیعاب فی معرفة الاصحاب. ابن عبدالبر یوسف بن عبدالله قرطبی (م. ۴۶۳). مجموع اصحابی که نام برده ۴۲۲۵ نفر است که از این میان ۳۲۲۴ مرد و ۱۰۰۱ زن می‌باشد. ابن عبدالبر در مقدمه استیعاب تعریف صحابی را منحصر به کسانی ندانسته که مجالست زیاد با پیامبر (ص) داشته‌اند؛ بلکه صحابی را هر کسی دانسته که حتی یک لحظه در حال ایمان، پیامبر (ص) را ملاقات کرده و یا دیده و یا سخنی از او شنیده و آن را نقل کرده و به وسیله روایات به ما رسیده است. او اطفال مسلمانانی که در زمان رسول خدا (ص) به دنیا آمده‌اند را نیز در زمره صحابی می‌داند. تمام این سخنان در این تعریف که علما بر آن اتفاق نظر دارند خلاصه می‌شود که: «الصحابی من لقی النبی مؤمناً به و مات علی الاسلام.» ابن عبدالبر به تصریح خود، اسامی افرادی را که در شمار اصحاب راوی رسول خدا (ص) هستند از کتاب‌های الحروف فی الصحابة ابن سکن سعید بن عثمان، کتاب الاحاد عبدالله بن محمد الجارود و کتاب ابوجعفر عقیلی محمد بن عمرو بن موسی مکی و کتاب ابن ابی خیمه اخذ کرده است.

وی راه اثبات صحابی را منحصر به روایات ندانسته است؛ بلکه در مرحله نخست بر اقوال مشهور از علمای حدیث و سیره و انساب اعتماد نموده و از کتاب‌های آنان برای اثبات صحابی بودن کسی استفاده کرده است. علاوه بر کتاب‌هایی که ذکر شد از برخی دیگر نیز استفاده کرده است مانند: المغازی موسی بن عقبه، الطبقات واقدی، التاریخ (المغازی) واقدی، کتاب الطبقات خلیفه، کتاب التاریخ الکبیر بخاری، المولود و الوفاة دولابی، و نیز کتاب‌های ابن ابی حاتم رازی و بغوی و دیگران.^{۳۵}

کتاب استیعاب را می‌توان همانند طبقات ابن سعد از

ابن اثیر یکی از اشکالاتی که بر برخی از معجم‌های صحابه وارد کرده این است که نویسندگان این کتاب‌ها از افرادی یاد کرده‌اند که حتی لحظه‌ای رسول خدا(ص) را ندیده‌اند و فقط در زمان حیات رسول خدا(ص) بوده‌اند مانند احنف بن قیس



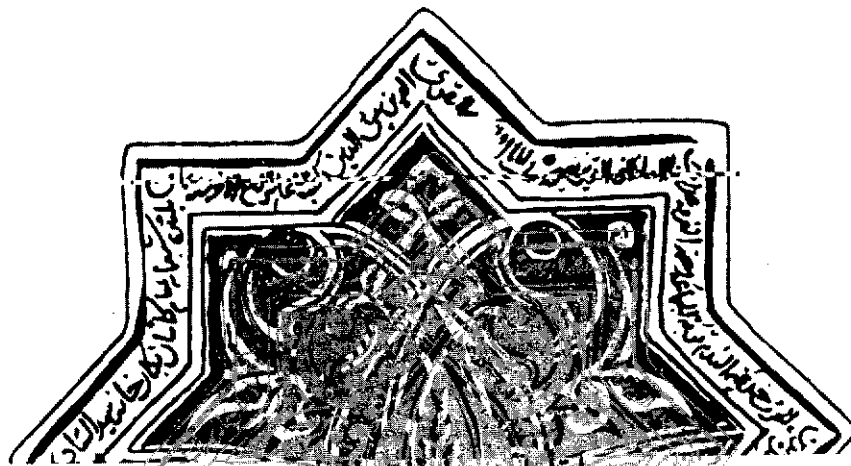
سخن اصلی اینکه ابن اثیر تنها بر اساس دو محور اصلی راه اثبات صحابی بودن را ممکن دانسته که عبارتند از: روایاتی که از رسول خدا(ص) - در صورت مسند بودن روایت و نه مرسل بودن آن -^{۳۳} نقل کرده‌اند و یا اینکه در گزارشات از کسی نامی برده شده که بر صحابی بودن او دلالت داشته است. ابن اثیر گوید: با توجه به اینکه اصحاب رسول خدا(ص) بسیار زیاد بوده‌اند و نامشان در هیچ دیوانی ثبت و ضبط نشده است غیر از این دو راه، طریق دیگری برای ما برای اثبات صحابی بودن این افراد باقی نمی‌ماند. بر این اساس برای ابن اثیر، ثبوت روایت رسول خدا(ص) و یا روایت از آن حضرت، ملاک صحابی بودن افراد است و از این رو هر چند ثابت شده باشد که افرادی در زمان حیات پیامبر(ص) بوده و حتی مسلمان شده‌اند، اما روایت اثبات نشده باشد، از نظر ابن اثیر صحابی نخواهند بود و این مطلب یکی از تفاوت‌های عمده کتاب ابن اثیر با ابن حجر است که در جای خود بدان اشاره خواهیم کرد.

ابن اثیر یکی از اشکالاتی که بر برخی از معجم‌های صحابه وارد کرده این است که نویسندگان این کتاب‌ها از افرادی یاد کرده‌اند که حتی لحظه‌ای رسول خدا(ص) را ندیده‌اند و فقط در زمان حیات رسول خدا(ص) بوده‌اند مانند احنف بن قیس. وی معتقد است ذکر اینگونه افراد توجیهی ندارد و چنانچه خواسته‌اند مسلمانانی را نام ببرند که در زمان حیات پیامبر بوده‌اند ولی آن حضرت را ندیده‌اند بایستی به تمام این افراد اشاره می‌کردند.^{۳۴} ابن اثیر در جاهای مختلف به رد صحابی بودن افرادی پرداخته که بر اساس برخی روایات توهم شده است آنان صحابی هستند. وی در این باره به نظرات ابونعیم و دیگران استناد کرده است. به طور مثال ابن مندّه گوید: محمد بن اسحاق السراج بر اساس روایت خود از مشایخش، روایتی از ایاس بن مالک بن اوس بن عبدالله اسلمی نقل کرده که می‌گوید پیامبر و ابوبکر به

هنگام هجرت در جحفه بر شتری که او داشت عبور کردند. ابن اثیر از قول ابونعیم می‌گوید که این موضوع توهمی بیش نیست و ایاس از تابعین است. سپس از طریق دیگری همان روایت را به گونه «مسند» نقل کرده که ایاس این خبر را از طریق پدرش، از جدش روایت کرده است.^{۳۴} بدین طریق آشکار می‌شود روایتی که برخی برای صحابی بودن او بدان استناد کرده‌اند «مرسل» بوده است.

کتاب اسدالغابة، توسط محمد بن محمد بن علی کاشغری (م. ۷۰۵) با نام مختصر اسدالغابة فی معرفة الصحابة تلخیص شده است. نووی یحیی بن شریف (م. ۶۷۶) نیز آن را تلخیص کرده است.^{۳۵}

تجريد اسماء الصحابة. ذهبی محمد بن احمد (م. ۷۴۸). این کتاب در حقیقت تکمله‌ای بر اسدالغابة است با این تفاوت که ذهبی علاوه بر آنچه ابن اثیر در اسدالغابة از اصحاب نام برده



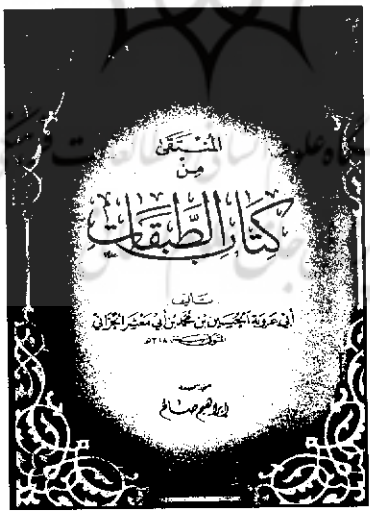
با تأمل در طبقات جلد هفتم
در می یابیم که او نیز تنها از
اصحابی نام برده که از طریق
روایت صحابی بودن آنان ثابت نشده
است و شیوه کلی او این بوده
است که تنها به اسامی

**افرادی اشاره کند که
روایتی نقل
کرده اند**

اصحاب رسول خدا(ص) را
نوشته است.^{۳۱}

ابن حجر در مورد نحوه
شناخت و تمییز صحابه از
دیگران، کتاب خود را به چهار بخش
تقسیم کرده که بخش دوم و چهارم را
باید امری مهم و ابتکاری برشمرد.

معجم نویسان پیشین چنین تقسیم‌بندی مفیدی در
جهت شناخت دقیق و بهتر صحابه انجام
نداده‌اند. موضوع بخش دوم عبارت است از:
اطفال و کسانی که تا وفات پیامبر(ص) به
سن تمییز نرسیده‌اند. این بخش از آن جهت
مهم است که میان بسیاری از معجم
نویسان اختلاف نظر در باره صحابی بودن
این افراد دیده می‌شود. گرچه ابن حجر بر
نظر کسانی مانند ابن اثیر صحنه گذاشته که
در باره این افراد ممکن است روایتی دال بر
دیدار آنان با پیامبر(ص) نقل نشده باشد، اما
با توجه به سیره و اصرار صحابه مبنی بر
بردن اطفال خود نزد رسول خدا(ص) برای
تبرک و نامگذاری آنان، این احتمال زیاد و
قوی وجود دارد که به دیدار پیامبر(ص)
شرفیاب شده‌اند.^{۳۲} از این رو ابن حجر،



افراد دیگری را نیز بدان اضافه
کرده است. همچنین وی در
این کتاب کسانی را که
صحابی نبوده‌اند معرفی کرده
است.^{۳۳} ذهبی برای اثبات صحابی

بودن افراد از کتاب‌های مختلفی استفاده
کرده که عبارت‌اند از تاریخ الصحابة الذين
نزلوا حمص، تاریخ دمشق، مسند احمد، مسند بقی
بن مخلد، الطبقات الكبرى ابن سعد
خصوصاً از بخش نساء، حواشی الاستیعاب و
کتاب ابن سیدالناس در باره شعرای
صحابه.^{۳۴}

الاصابة فی تمییز الصحابة. ابن حجر
عسقلانی. جامع‌ترین کتاب تراجم نگاری
صحابه است که نزدیک به ۱۲۳۰۴ نفر از
اصحاب رسول خدا(ص) را نام برده و به
شرح زندگانی آنان پرداخته است.

ابن حجر خود در مقدمه به برخی از
معجم‌های صحابه اشاره کرده و علاوه بر
ستایش تلاش نویسندگان آنها، از برخی
کاستی‌ها نیز انتقاد کرده است. ابن حجر به
کتاب‌هایی مانند الاستیعاب و اسدالغایة

اشاره کرده و معتقد است که کتاب نخست بسیاری از صحابه را
از قلم انداخته و به همین دلیل ذیل آن تکمله‌هایی نوشته شده
است و کتاب دومی نتوانسته اصحاب را از غیر آنان تمییز دهد و
افرادی را صحابی معرفی کرده که از اصحاب نیستند.^{۳۵} از این رو
ابن حجر برای تکمیل تراجم صحابه، کتاب الاصابة را نوشت. با
این حال با توجه به سخن ابوزرعه که در زمان وفات رسول
خدا(ص) بالغ بر صد هزار مرد و زن بودند که آن حضرت را دیده
و یا از او سخنی شنیده بودند، ابن حجر معترف است که عشر

ابراهیم بن عبدالرحمن بن عوف را صحابی می‌داند^{۳۶} اما عجلی،
یعقوب بن شیبه، ابن حبان، مسلم و بخاری و ابن اثیر او را از
طبقه نخست تابعین بر شمرده‌اند، چرا که پدرش در زمان فتح
مکه با ام کلثوم ازدواج کرده است و معلوم نیست که ابراهیم
پیامبر(ص) را دیده باشد.^{۳۷}
بخش چهارم نیز یکی دیگر از بخش‌های مهم الاصابة
است. ابن حجر این بخش را به مبهمات اختصاص داده است،
یعنی افرادی که پیشینیان به غلط آنان را صحابی دانسته‌اند.

خلیفه در صد کم‌رسانی به حدیث نیست و نخواستہ مانند «معجم طبرانی» و «مسند احمد» و برخی دیگر از کتاب‌ها به جمع‌آوری احادیث اصحاب پردازد و آنان را از دیگر صحابه تمییز دهد. زیرا در این صورت، بایستی روایات را به طور کامل نقل می‌کرد، بلکه منظور او اثبات صحابی بودن آنان از طریق روایت بوده است



وی این بخش را بسیار مهم و ابتکاری دانسته و می‌گوید: این بخش همان گمشده‌ای است که بسیاری در پی آن هستند و گمان نمی‌کنم در این زمینه کسی بر من پیشی گرفته باشد و یا به فکرش خطور کرده باشد.^{۳۵} در این بخش بسیاری از اشکالات و توهّمات در باره صحابه از جهت نام، شباهت‌ها و اختلافات اسمی که سبب شده میان یک یا چند شخص توهم و اشتباه صورت گیرد، بیان شده است.^{۳۶} نقد و بررسی روایات و اخباری که پیشینیان بدون توجه به ضعف اسناد آنها و یا اشکالات دیگر، افرادی را صحابی پنداشته‌اند نیز از دیگر ویژگی‌های این بخش است. ابن حجر در این بخش به این توهّمات پاسخ داده است و نشان داده که چگونه توهم شده کسانی صحابی قلمداد شدند.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- برای اطلاع بیشتر از این تعاریف ر.ک: مقدمه الاصابه، ج ۱، ص ۷- ۱۴.
- ۲- الاصابه، ج ۱، ص ۱۵۸.
- ۳- بر این اساس ابوزکریا بن منده و سیوطی اصحابی را که ۱۲۰ سال داشته‌اند در دو کتاب به نام اردادۀ منہم و کذا من عاش منہم مائة و عشرين؛ و ریح التسرین فیمن بلغ من الصحابة مائة و عشرين جمع‌آوری کرده‌اند.
- ۴- معجم ابن قانع، ج ۲، ص ۲۶۰.
- ۵- ابن عبدالبر الاستیعاب، فی معرفة الاصحاب ج ۱، ص ۱۰؛ الاصابه، ج ۱، ص ۱۵۹.
- ۶- ذهبی، محمدبن احمد: تجرید اسماء الصحابه، ج ۱، ص ۳- ج.
- ۷- المعجم الکبیر، ج ۶، ص ۳۰.
- ۸- المعجم، ج ۱، ص ۳.
- ۹- ابن ابی عاصم احمدبن عمرو شیبانی: الاحاد و المثانی، ص ۴۹.
- ۱۰- ابونعیم امیهانی احمدبن عبدالله: معرفة الصحابة، ج ۴، ص ۲۱۳۸.

- ۱۱- همان، ج ۵، ص ۲۵۵۷.
- ۱۲- همان، ج ۱، ص ۲۹۷.
- ۱۳- همان، ج ۱، ص ۱۸۷.
- ۱۴- همان، ج ۱، ص ۱۸۸.
- ۱۵- همان، ج ۱، ص ۱۸۹.
- ۱۶- همان، ج ۱، ص ۱۹۶.
- ۱۷- همان، ج ۴، ص ۲۱۳۶.
- ۱۸- همان، ج ۴، ص ۲۱۳۸.
- ۱۹- همان، ج ۱، ص ۲۰۴.
- ۲۰- الاستیعاب، ج ۱، ص ۱۲۸- ۱۳۰.
- ۲۱- الاصابه، ج ۱، ص ۱۵۴.
- ۲۲- ابن اثیر علی بن محمد: اسدالغابة، فی معرفة الصحابه، ج ۱، ص ۱۱۰.
- ۲۳- اسدالغابة، ج ۱، ص ۱۱۱.
- ۲۴- این مطلب را می‌توان از آنچه وی در ذیل نام «ایاس بن مالک» بیان داشته است، به دست آورد.
- ۲۵- اسدالغابة، ج ۱، ص ۱۱۴.
- ۲۶- اسدالغابة، ج ۱، ص ۳۴۱.
- ۲۷- مقدمه اسدالغابة، ج ۱، ص ۷۸.
- ۲۸- الاصابه، ج ۱، ص ۱۵۴.
- ۲۹- تجرید اسماء الصحابة، ص الف - ب.
- ۳۰- الاصابه، ج ۱، ص ۱۵۴.
- ۳۱- الاصابه، ج ۱، ص ۱۵۴.
- ۳۲- الاصابه، ج ۱، ص ۱۵۵.
- ۳۳- الاصابه، ج ۱، ص ۳۲۳.
- ۳۴- تهذیب التهذیب: ج ۱، ص ۱۲۱؛ اسدالغابة، ج ۱، ص ۱۵۸.
- ۳۵- همان، ج ۱، ص ۱۵۷- ۱۵۶.
- ۳۶- البته در این زمینه، بر خلاف گفته ابن حجر که مسلم خود بر آن آگاه بوده است، علمایی چند کتاب‌های مستقلی نوشته‌اند. از جمله خطیب بغدادی در خصوص این موضوع کتابی به نام المتفق و المقترق نوشته است.